



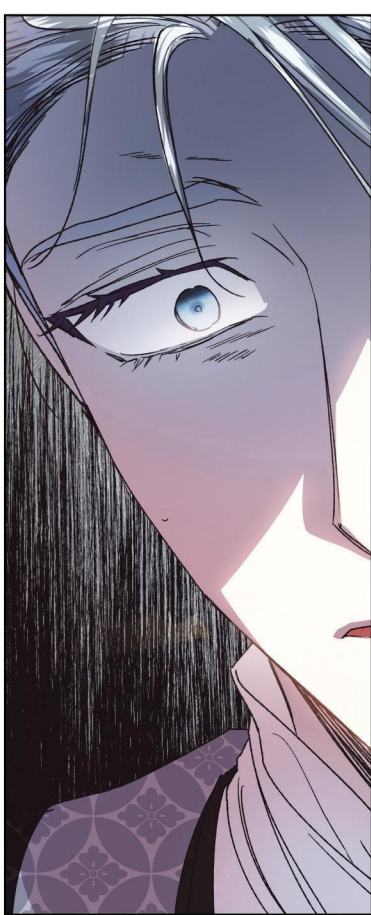
Lan Neji : مترجم

ادیتور: Sg~

IRISEKAI

T.me/IriSekai

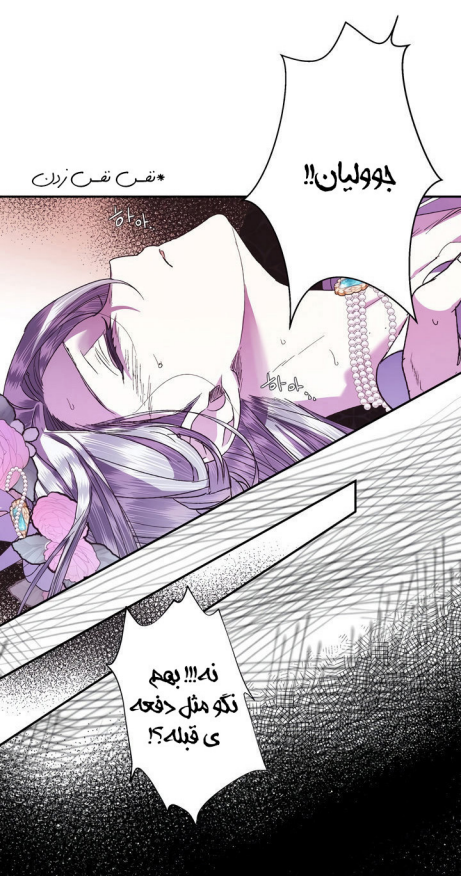
instagram.com/IrisSekai





*عش کردن

*افتادن



جوولیان!!

*تشن تشن زدن

اها

اها

نه!!! بهم
نگو مثل دفعه
ی قبله؟!!

نه!!

جاء!!

아빠, 나 이 결혼 안 할래요!

만화 · Roal 각색 · 유리

원작 · 홍희수

5



تورو خدا...
بلند شو..



...نه...

اگه تورو
هم از دست
بدم..



جوول!

خیلی عجیبه...



عمرا منو
اینچوری صدا
بدرنی...

چرا قیافت
چوریه که انگار
میخوای گریه
کنی..؟

*معلم گرفتار



لطفا
بیدار شو..



*بیدار شدن



اوه...
سرم...

یه خواب
دیدم...

خوبین،
بانوی من؟!

آلن؟

میدونید وقتی بی قوش
بودین چقدر نگرانتون
شده بودیم؟!

چقدر آدمای
دوروبرم دعوا
کردن؟!

...

با اینکه قیافش یه جوریه که انگار
خدا ز دتش ولی پزشک خانواده اشونه.

انگار از
حال رفتم.

چقدر بی هوش
بودم؟

سه روزی
میشه... هق...

سه روز زود؟



حالتون چطوره
بانوی من..؟

*گریه

بانوی من!!

*رویدن



هوم؟



*درخیدن



*عجیب غریب



اینا چیه دیگه؟



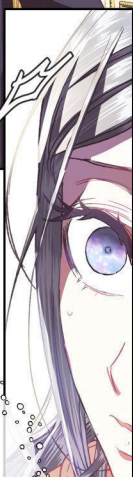
همشونو
خانومای اشراف
زاده ی دیگه
بهتون هدیه
دادن..

به امید سریعتر
خوب شدنتون.

...عمر...

وضعیت: هیچی
دوست نداره.

*تحت تاثیر قرار گرفتن



*قدم برداشتن



نکنه
هنوزم..





انتظار چیزیو
نداشته باش..



پدره پی قلبی
که دختره مریضشو
نادیده میگیره..



چلوی بقیه ی
مردم خوب به نظر
نمیرسه..

پرا همینم اومد
خودشو به بقیه
نشون بده و بیره..





فهمیدم که
وقتی مریض بودم،



همونجور که انتظارشو
داشتم بدون مال و منال بابام
حتی نمیتونم از خودم
مراقبت کنم..





باید بخاطر گندایی
که قبلاً زدم دیده بقیه
رو نسبت به خودم
عوض کنم.



*نوشتن

*نفس نفس زدن

헉

خانوممون داره
کتاب میخونه.

깜짝



Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai

بعدش باید درس بخونم.



ازو بچایی که بابا
عمارت و زمیناشو
به من نمیده..

*سخت کوشی



وقتی که
پولشو به جیب زدم
باید بتونم با اون
پول زندگیمو
بچرخونم.

음...!

باید برای
مستقل شدن

آماده سازی های
لازمو انجام بدم.

ولی....

درس خواندن خیلی
موصله سرپره

اها
اها
اها

امان ازین زندگی*

*چشای حال شده

باورم نمیشه مچپورم
همه ی چیزایی که قبلا
نخوندمو خر پرتم..

حس میکنم
ره گامه

크윙



*ویر ویر





*بلند کردن





قیافش قشنگ داره
همینو میگه..

درسته، میخوام بدونم
پدرم به عنوان یه لرد چه
کارایی انجام میده.

چرا میخواستی
بدونی؟

نکنه فکر
میکنه ادم حریصی ام
و میخوام زمینامونو
اداره کنم؟

배길..

*عرق ریختن..

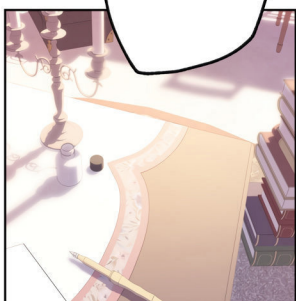
*لبخند زدن

فقط
کنجکاویه قصد
پنهونی دیگه ای
ندارم.

생각



میدونی سه
عنصره کلیدی تو
این زمینه چیه؟



هوم..



باید یه زمینی
باشه تا بتونن توش
ساخت و سازا و
چیزای پایه رو
انجام بدن.



یه لرد باشه که
بهشون حکومت کنه و
رعیت هایی که مسئولیت
زمینارو به عهده بگیرن و
یه سودی از زمینا به
دست بیارن.



یه ساعتی سوال و جوابش کرد.



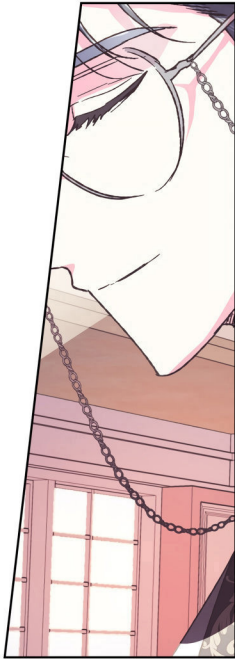


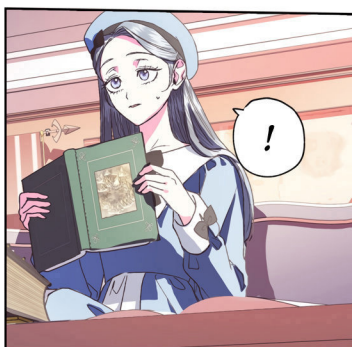


* نگاه کردن



* ورق زدن







...!! ...!!



پاپا!!! اینا کتابی
استراتژی و تاکتیکای
نظامیهه!!!؟؟؟





*برق زدن





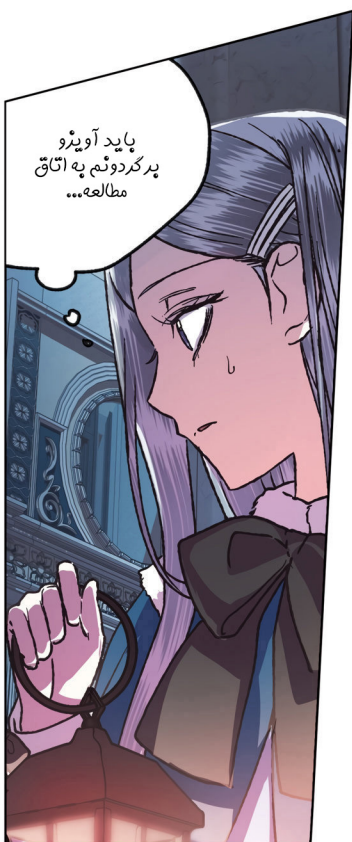
شاید تو دفترشه
اشکال نداره پهبش
برگردونمش نه؟

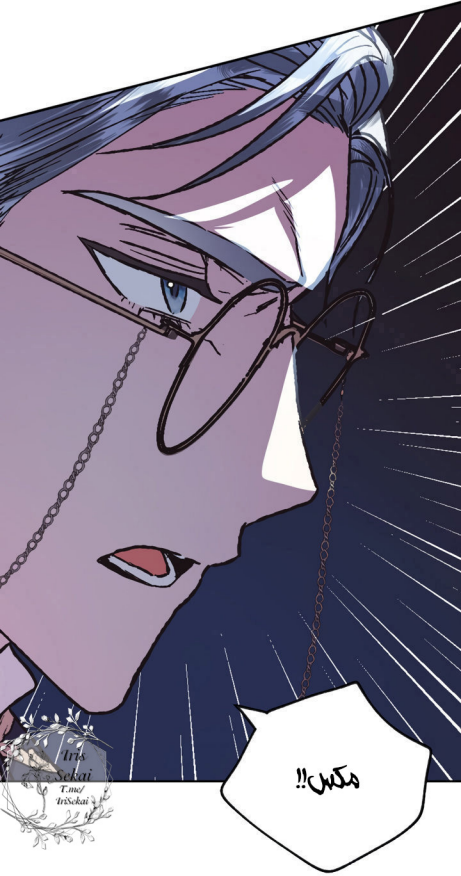


*وایاردن

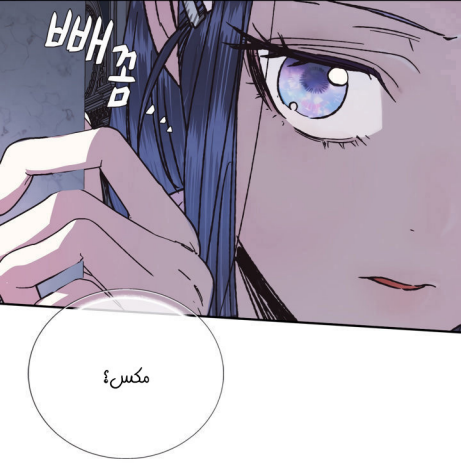
سعی
نکن بیشتر ازین
وادارم کنیی!!

من مجبور تون
نمیکنم دارم بهتون
هشدار میدم.





*یواشکی شاه کردن



아빠,
나 이 결혼
안 할래요!

다음 화에 계속

 씨엔씨 레볼루션

 @CncRevolution

 @romancenineplus

 blog.naver.com/romance_nine



از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.